

شخصیت‌های کاذب

دروغ‌گویی و عوامل آن

سید میثم موسوی
تصویرگر

دکتر حسنعلی میرزاییگی
مدرس آموزش خانواده



دست‌کاری در کارنامه) خود را از مجازات برهاند. یا وقتی پولی را از جیب پدر برداشته است، به شدت مقاومت می‌کند. اگر این گناه را گردن بگیرد، باید از طرف پدر تنبیه شود.

رهایی از فشار

فرزند شما کار نادرستی انجام داده که مورد تأیید شما نبوده است. او می‌خواهد شما متوجه این کار نشوید، چون می‌داند اگر متوجه شوید، شاید برایش مشکلاتی پیش آید. او برای حفظ شخصیت خودش، آن‌چنان در دروغ‌گفتن پافشاری می‌کند که شما تصور می‌کنید از راست هم راست‌تر می‌گوید. حتی به سوگند متوسل می‌شود و جان پدر و مادر را وسط می‌گذارد، چون می‌خواهد از این فشار خانواده آسوده شود.

حفاظت از حس استقلال

یکی از مهم‌ترین رویدادهای طبیعی رشد کودک، جدایی از والدین و حس استقلال‌طلبی است. این موضوع در دوران

یکی از آسیب‌های اجتماعی که در کودکان و بزرگسالان خیلی شایع است و بیشتر وقت‌ها عاقبت ناگواری در پی دارد، دروغ‌گویی است که شروع آن ابتدا از خانواده است و بعد به جامعه تسری پیدا می‌کند. این مقاله پیوست به عواملی می‌پردازد که باعث می‌شوند کودک یا بزرگسال به سمت دروغ‌گویی سوق پیدا کند.

عواملی که باعث دروغ‌گویی می‌شوند:

ترس از تنبیه و مجازات

گاه کودک یا بزرگسال دروغ می‌گوید تا از مجازات کاری که کرده است نجات پیدا کند. چون اگر راست بگوید، گرفتار می‌شود. مثل ترس از افسر راهنمایی رانندگی، ترس از معلم و ترس از پدر و مادر به خاطر نمره که بیش از ۶۵ تا ۷۵ درصد دروغ‌های کودکان به همین دلیل است. وقتی کودکی می‌داند اگر نمره تک به منزل بیاورد و راستش را بگوید تنبیه می‌شود، مجبور خواهد بود به هر ترفندی شده (مثلاً

یکی از مهم‌ترین رویدادهای طبیعی رشد کودک، جدایی از والدین و حس استقلال طلبی است. این موضوع در دوران کودکی با دروغ گفتن موفقیت‌آمیز به والدین تجربه می‌شود

کودکی با دروغ گفتن موفقیت‌آمیز به والدین تجربه می‌شود. آنچه در ذهن کودک می‌گذرد این است که والدین نمی‌توانند فکر مرا بخوانند و قادر به درک من نیستند. زیرا متوجه دروغ من نمی‌شوند پس من مستقل از آن‌ها هستم. معمولاً افرادی که به آستانه بلوغ فکری و جسمی می‌رسند و در معرض رفتار کنترل‌کننده و مداخله‌گر والدین قرار دارند، برای کسب آزادی و استقلال فردی به دروغ متوسل می‌شوند.

ناتوانی در انجام کار

اگر کودکی نتواند کاری را که به او واگذار کرده‌اید، انجام دهد و انجام آن برایش سخت و مشکل باشد، راهی را برای توجیه شما پیدا می‌کند و به دروغ متوسل می‌شود. مثلاً وقتی فرزند شما باید چند صفحه ریاضی تمرین کند و نمی‌تواند آن را انجام دهد، می‌گوید: اصلاً هیچ نمی‌فهمم و نمی‌توانم یاد بگیرم. حتی وقتی معلم هم برای او می‌گیرد، معلم در منزل می‌گوید نمره‌اش بالاست، ولی باز در مدرسه خراب می‌کند. چرا که امور محول شده به کودک در حد توان وی نیست. حتی کودک دوساله‌ای که مادرش از او می‌خواهد مسافت زیادی را در خیابان راه برود، می‌گوید کمرم درد می‌کند.

برآوردن آرزو

در دوران کودکی و حتی نوجوانی، این نوع دروغ غیرعادی نیست و بعضی‌ها به آن متوسل می‌شوند. مثلاً کودکی که واقعیت‌ها هنوز جایگاه راسخی در ذهنش پیدا نکرده‌اند، آرزو را با واقعیت اشتباه می‌گیرد.

حسادت و رقابت

علت بسیاری از دروغ‌های کودکان و نوجوانان حسادت یا رقابت است. وقتی کودک یا نوجوان احساس می‌کند اعتبارش پیش پدر و مادر کم شده یا از آنان محبت کافی دریافت نمی‌کند، برای اینکه نظر آنان را جلب کند، از طریق رقابت با منشأ حسادت وارد کارزار می‌شود.

سرگرمی و مزاح

بعضی از افراد برای اینکه بخواهند جمعی را به تمسخر بگیرند یا کسی را از قصد فریب بدهند تا او را بسنجند، یا برای فراهم کردن اسباب سرگرمی، به دروغ‌هایی متوسل می‌شوند که بیشتر جنبه شوخی دارند.

جلب نظر

زمانی که از یاد کودک خارج می‌شوید، توجهی به او ندارید و او را از نظر عاطفی نمی‌بینید، او به خاطر اینکه مورد توجه شما قرار گیرد، به دروغ متوسل می‌شود و برای لحظاتی تمام توجه شما را جلب می‌کند. مثلاً خودش را به دل درد می‌زند، در صورتی که اصلاً دل دردی در کار نیست.

خودنمایی

هستند افرادی که می‌خواهند از دیگران کمتر نباشند. در جمع پز می‌دهند فلان چیز را دارم، فلان چیز را خریدم و فلام دانشگاه قبول شدم، در صورتی که هیچ‌کدام صحت ندارد. این افراد با این دروغ‌ها برای خود شخصیتی کاذب می‌سازند و دروغ‌های آن‌ها فقط جنبه تبلیغاتی به نفع خودشان دارد و کم‌کم به عادت تبدیل می‌شود.

کمک به خودفریبی

به اعتقاد عده‌ای از افراد، دروغ می‌تواند کمک بزرگی برای سرپوش گذاشتن آگاهانه روی رویدادی ناگوار یا واقعیت‌ها و حقایق نامطلوب زندگی باشد.

انتقام‌گیری

در مواردی، دروغ گویی نوعی انتقام از طرف مقابل است. فرد می‌خواهد با به‌زحمت انداختن کسانی که او را آزاد قرار داده بودند یا با سوزاندن دل آن‌ها که روزی دل او را سوزانده‌اند، انتقام بگیرد. مثلاً اگر برادر یا خواهر او برایش مشکل ایجاد کرده‌اند، دروغی می‌گوید که دقیقاً مقابله‌به‌مثل کند. این نوع دروغ در بعضی خانواده‌ها تا اندازه‌ای پیش می‌رود که وابستگان آبروی همدیگر را می‌برند.

کمک به دیگران (دروغ مصلحتی)

شاید در این نوع دروغ پایه و اساس خشم و نفرت و انتقام نباشد. در واقع شخص مجبور است برای اینکه آسیب یا ضرری بر دیگران وارد نشود، از آن استفاده کند. در پایان نیز کسی آن‌چنان ناراحت نمی‌شود. مثلاً شما فرزندان را پیش پزشک می‌برید و در شرایطی که حال او بسیار بد است، پزشک به شما می‌گوید موضوع چندان جدی نیست.

به‌دست آوردن موفقیتی خوشایند

بعضی وقت‌ها واقعاً نمی‌توان واقعیت محض را بیان کرد، چرا که ممکن است سرنوشت انسان تغییر کند و تا آخر عمر مشکلی بر دوش انسان بماند. مثلاً وقتی خواستگار خوبی برای دختری آمده است، اگر این دختر با خواستگار قبلی‌اش صحبت کرده باشد و خواستگار جدید روی این





پدرت کجاست، در جمع می‌گوید، رفته است خارج از کشور برایم سوغات بخرد یا رفته است برای مامانم ماشین بخرد. افرادی که این جمله را می‌شنوند، می‌خندند و او را تشویق می‌کنند. این رفتار زمینه‌ای می‌شود تا دروغ‌گویی برای او عادت شود و روز به روز این عادت زیاده‌تر و بزرگ‌تر شود.

تسلیم کردن پدر و مادر

گاهی کودکان به دروغ سخنی می‌گویند تا مادر و پدر خود را آزمایش کنند، نظر آن‌ها را بفهمد و آن‌ها را در برابر دروغ خود تسلیم کنند. اگر توان و قدرت داشتند، بعدها آن کار را عملی می‌کنند.

در واقع این دروغ برای کشف است نه چیز دیگر، و کودک با گفتن آن منتظر عکس‌العمل پدر و مادر می‌شود. مثلاً کودکی به پدر و مادرش می‌گوید من می‌خواهم با دوستانم به گردش بروم، در صورتی که اصلاً دوستی در کار نیست. او در واقع می‌خواهد نبض آن‌ها را بسنجد تا اگر چیزی نگفتند و موافقت کردند، در آینده بتواند چنین کاری را انجام دهد.

تخیل کودکانه

کودکان در موارد بسیاری بین واقعیت و تخیل تفاوت قائل نیستند. مسائلی وجود دارند که کودک در ذهن تخیل و تصویرپردازی می‌کند و بعد همان را به عنوان واقعیت مطرح می‌کند، ولی والدین از روی ناآگاهی، به جای اینکه کودک خود را توجیه کنند و او را آموزش دهند، او را تمسخر و شاید تهدید می‌کنند که چرا دروغ می‌گوید. در صورتی که اظهارات کودک اصلاً دروغ نیست و نوعی تصور و خیال است.

حفظ حس هویت فردی

بعضی از انسان‌ها به خاطر حفظ غرور و عزت‌نفس خودشان مرتکب دروغ می‌شوند تا حس خودکم‌بینی را تا حدی در خود جبران کنند. جالب اینکه شخص آن‌قدر دروغ‌گویی را تکرار می‌کند که بعضی مواقع خودش هم باورش می‌کند.

کسب امتیازی خاص

گاهی اوقات متأسفانه والدین برای به‌دست آوردن موقعیتی، در حضور کودکانشان به راحتی دروغ می‌گویند. مثلاً برای آنکه هنگام رفتن به سینما هزینه کمتری بدهند، سن کودک را به دروغ کمتر ابراز می‌کنند تا پول بلیت ندهند و به راحتی این عمل را زرنگی و مثبت می‌دانند و چقدر هم خوش حال می‌شوند. حتی از رفتار فرزندشان تمجید می‌کنند و اگر

موضوع خیلی حساس باشد، ممکن است گفتن واقعیت باعث نپذیرفتن دختر از طرف پسر شود، چرا که پسر فکر می‌کند قبلاً اتفاق مهمی افتاده و این دختر نامزد داشته است. لذا از خواستگاری‌اش صرف‌نظر می‌کند.

دروغ بهتر از راست

بعضی وقت‌ها انسان در موقعیتی قرار می‌گیرد که اگر راست بگوید، چه‌بسا گناهش بیشتر از دروغ باشد و ناگزیر شود به دروغ متوسل شود. مثلاً اگر زن و مردی در جایی دچار انحراف شده باشند، وقتی از شخص سومی می‌پرسند شما چنین صحنه‌ای را دیده‌اید، او به خاطر حفظ آبروی دو خانواده می‌گوید یادم نمی‌آید، یا چنین چیزی را ندیدم.

الگوگیری از دیگران

یکی از رایج‌ترین دروغ‌گویی‌ها، دروغ‌گویی اکتسابی است. یعنی از خانواده منتقل می‌شود. مثل میراثی که از پدر بزرگ به پدر و از پدر به فرزند منتقل می‌شود. این دروغ آن‌قدر رایج است که به صورت کار روزمره خانواده در می‌آید و هیچ‌کس از اینکه دروغ بگوید ناراحت نیست و مثل نقل و نبات در خانواده جریان دارد. موضوع مهم این است که در این حالت دیگر پدر و مادر نمی‌توانند الگوی مناسب و تربیت‌کننده خوبی باشند، زیرا خودشان عامل به دروغ هستند.

حفظ عزت‌نفس

بعضی افراد احساس خودکم‌بینی دارند، اکثراً با شکست مواجه شده‌اند، اعتقاد دارند روزگار بر وفق مرادشان نیست و فکر می‌کنند آنچه دارند، خیلی کمتر از چیزی است که از خود انتظار دارند. اینان تمام تلاش خود را به کار می‌گیرند، اما موفقیت آن‌ها زیاد نیست. لذا دچار خودکم‌بینی می‌شوند. این‌گونه افراد عزت‌نفس پایینی دارند و به ضعف خود معتقدند، در حالی که ممکن است از دیگران هم بالاتر باشند، یا حداقل در حد طبیعی باشند. ولی دائم می‌نالند. افرادی که چنین شخصیتی دارند، با غلو و گزافه‌گویی در حقایق و اغراق در توانایی‌های خویش، خودشان را بسیار موفق و در سطح بالا می‌دانند.

تحسین و تثبیت رفتار به‌طور غلط

بعضی از کودکان اصلاً نمی‌دانند چیزی که می‌گویند، دروغ است یا واقعیت. ولی گاهی چیزی را می‌گویند که دروغ است و چون زبان کودک شیرین است یا موضوعی که گفته خنده‌دار است، همه می‌خندند و او مورد توجه قرار می‌گیرد. چنین کودکی از آن پس سعی می‌کند از این دروغ‌ها بیشتر بگوید تا تشویق و تحسین شود. مثلاً از کودک سؤال می‌شود



گاه کودک یا بزرگ‌سال دروغ می‌گوید تا از مجازات کاری که کرده است نجات پیدا کند. چون اگر راست بگوید، گرفتار می‌شود

کودک چنین کاری نکرد، او را سرزنش می‌کنند که چرا ز رنگی نکردی! این رفتارها در آینده اثرات منفی بسیار دارند.

خشنود و شاد کردن پدر و مادر

بعضی مواقع کودکان زیر پنج سال برای خشنودی و شاد کردن پدر و مادر دروغ می‌گویند، زیرا برای آن‌ها جلب رضایت پدر و مادر مهم است. مثلاً وقتی گلدانی را می‌شکنند، به مادر که گلدان را دوست داشته و از شکستن آن ناراحت می‌شود، به دروغ می‌گویند گربه آن را شکسته و کار من نبوده است. اما کودک بزرگ‌تر غالباً برای فرار از تنبیه دروغ می‌گوید.

جلب ترحم

گاهی، به‌خصوص در افراد بزرگسال، دروغ‌گویی منشأ فقر و بدبختی دارد. کسی که تمام راه‌ها به روی او بسته شده است، ممکن است آن قدر نیازمند باشد که با دروغ‌گویی تأمین معاش کند. مثل مردی که در خیابان به همه التماس کند مادر مریض دارم، فرزندم در بیمارستان است، یا هزینه دارو ندارم! البته شاید هم درست می‌گوید، ولی ریشه اغراق و دروغ‌گویی هم در آن هست.

حب جاه و مقام

این مورد هم بیشتر به بزرگسالان مربوط می‌شود. کسی که شیفتهٔ جاه و مقام است، برایش مهم نیست دروغ بگوید. او برای رسیدن به مقام، تمام تلاش خودش را به خرج می‌دهد، سرمایه‌گذاری می‌کند و آن قدر دروغ می‌گوید تا مردم باور کنند او واقعاً می‌خواهد کاری انجام دهد.

گاهی فردی بر اثر تعصب‌های شدید و حب و بغض‌های بیش‌ازاندازه، غیرانسانی و غیرالهی، به نفع فرد دلخواهش یا به زبان کسی که از او نفرت و کینه دارد، بر خلاف واقع سخن می‌گوید. مثلاً کسی کار بدی انجام داده است و فرد دیگر می‌کوشد با دروغ آن را انکار کند. او با چشمان خودش می‌بیند که دوستش در تصادف صد در صد مقصر است، ولی به دروغ می‌گوید مقصر نیست.

غفلت از زیان‌های دروغ

شاید بسیاری اصلاً نمی‌دانند دروغ چه زیان‌هایی دارد! توجه‌نکردن به زیان‌های دروغ، از یادبردن اهمیت راست‌گویی، آلودگی محیط خانوادگی یا محیط اجتماعی و معاشران،

موجب ریشه‌پکردن این ویژگی ناپسند در انسان می‌شود. اینکه در اسلام تأکید می‌شود دروغ ریشهٔ همهٔ گناهان است، شاید بتوان گفت ریشهٔ همه انحرافات اجتماعی نیز است و فرد دروغ‌گو باید زیان‌های آن را بداند. مثلاً پسری که به‌دروغ به دختری قول ازدواج می‌دهد و او را سال‌ها سرگردان می‌کند و به سرنوشت او ضربه می‌زند، واقعاً گناه بزرگی مرتکب می‌شود.

ضعف ایمان

پیامبر بزرگوار (ص) می‌فرماید: «بسا که در مؤمن بتوان هر صفتی یافت، مگر خیانتکاری و دروغ‌گویی.» پس کسی را که دروغ می‌گوید، نمی‌توان جزو انسان‌های مؤمن قلمداد کرد، زیرا همهٔ عوامل زمینه‌ساز صفت دروغ‌گویی در آدمی، از شخصیت ناسالم و ناتوانی روح و ضعف ایمان ناشی می‌شود. کسانی که خود را باور ندارند و روحشان ناتوان و زبون است، برای رسیدن به هدف‌های خود و فرار از زیان‌های احتمالی راست‌گویی، به دورویی، نفاق و خیانت پناه می‌برند. ولی افراد با ایمان قوی، توانا و آراسته به شخصیت محکم و استوار، به خود و توانایی‌شان ایمان دارند و پیروزی خود را در ایمان خود می‌جویند. کسانی که به قدرت لایزال الهی ایمان دارند و سرچشمهٔ همهٔ برکت‌ها و کامیابی‌ها را در گروهی ارادهٔ نافذ او می‌دانند، قدرت او را برتر از همهٔ قدرت‌ها و حمایت او را بالاترین حمایت شناخته‌اند، دلیلی نمی‌بینند برای رسیدن به سود یا دفع زیان به دروغ متوسل شوند.

صدافت ذر گران‌بهایی است. شما تا چه اندازه به صحت این جمله ایمان دارید؟ طعم لذیذ آن را چشیده‌اید؟ اگر کسی در رفتار با دیگران روراست باشد، می‌گویند فلانی صادق است و اگر دورو باشد، می‌گویند رفتار منافق گونه دارد و حرف‌هایش با عملش متفاوت است.

منابع

۱. علی، سیفاله (۱۳۹۱). نقش خانواده در پیشگیری از انحرافات. نورالسجاد. شهر تهران.
۲. نراقی، ملا احمد (۱۳۸۷). معراج‌العاده. آیین و دانش. شهر تهران.
۳. اکمن، پل. رفتارشناسی دروغ. ترجمهٔ نگین کشاورزبان (۱۳۹۳). آینده درخشان. شهر تهران.
۴. شعاری‌نژاد، علی اکبر (۱۳۸۵). روان‌شناسی انسان سالم. اطلاعات. شهر تهران.
۵. لیبرمن، جی دیوید. از کجا می‌فهمیم کسی دروغ می‌گوید. ترجمهٔ اسماعیل حسینی و محبوبه ایران‌نژاد (۱۳۸۹). راشین. شهر تهران.
۶. میرزایی، حسنعلی (۱۳۹۰). صدای رفتار. آواستن. شهر تهران.
۷. دقیقیان، پروین (۱۳۸۹). چرا دروغ می‌گوییم. دانش. شهر تهران.
۸. صالحی، هاشم (۱۳۸۵). رهگشای انسانیت. گلستان ادب. شهر تهران.
۹. بیرقی، ابوالفضل و ایلان داغی (۱۳۸۹). آموزش رفتار با کودک و نوجوان. نوای دانش. شهر تهران.



اگر کودکی نتواند کاری را که به او واگذار کرده‌اید، انجام دهد و انجام آن برایش سخت و مشکل باشد، راهی برای توجیه شما پیدا می‌کند و به دروغ متوسل می‌شود